

سیاست‌مدارانی که با فساد در جهان مشهور شدند

به نام مردم، در جیب خود

محسن عارفی



اتهام بدتری خیرساز و به جرم رابطه جنسی لواط به ۹ سال حبس محکوم شد، اما در سال ۲۰۰۴ میلادی، دادگاه او را از این جرم تبرئه کرد و پس از سپری‌کردن شش سال محکومیت، از زندان آزاد شد.
باین‌حال انور ابراهیم این اتهامات را رد کرده و آن را توطئه‌ای برای منع او از فعالیت‌های سیاسی و موفقیت ائتلاف مخالفان دولت در انتخابات مارس ۲۰۰۸ به رهبری خودش دانست. وی مدتی بعد به دلیل تهدید به مرگ از سوی افراد ناشناس، ناچار به پناہ‌بردن به سفارت ترکیه و خواستار تأمین جانی خود از سوی دولت مالزی شد.

بیل کلینتون؛ بدنامی ادامه‌دار



رسوایی اخلاقی «بیل کلینتون»، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین رسوایی‌های تاریخ سیاست جنجالی‌ترین رسوایی‌های تاریخ سیاست ایالات متحده دانست. این رسوایی اخلاقی که در پی برملاشدن رابطه جنسی «بیل کلینتون» با «مونیکا لونسکی»، منشی ۲۲ساله کاخ سفید، در سال ۱۹۹۸ میلادی علنی شد، ضربه مهلکی به اعتبار دستگاه سیاسی ایالات متحده و خانواده کلینتون وارد کرد. اتهام کلینتون برقراری رابطه جنسی با مونیکا لونسکی حداقل سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ میلادی بود؛ وی در یک سخنرانی تلویزیونی این اتهامات را رد کرد، اما در تحقیقات بیشتر قضائی، کلینتون متهم به شهادت کذب شد که این امر به استیضاح وی انجامید، اما او توانست تنها با یک رای اعتماد اضافه از برکناری از ریاست‌جمهوری آمریکا بگریزد. در این دادگاه ۲۱روزه، کلینتون از سوی قاضی «سوزان وبر رایت»، ۹۰ هزار دلار جریمه و پروانه وکالت وی نیز از سوی دیوان‌عالی ایالات متحده، به مدت پنج سال تعلیق شد. لونسکی در دادگاه اعتراف کرده بود که از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۶ میلادی ۹ مرتبه با بیل کلینتون رابطه جنسی برقرار کرده است. این رسوایی حتی بر انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۰ آمریکا تأثیر گذاشت به‌طوری‌که «ال گور»، معاون وقت کلینتون و کاندیدای ریاست‌جمهوری حزب دموکرات در انتخابات آن سال، این رسوایی را یک «عامل بازدارنده» برای موفقیت و کاهش آرای دموکرات‌ها دانست. خانواده کلینتون هنوز هم بهای این رسوایی اخلاقی را می‌دهند چراکه «هیلاری کلینتون»، همسر بیل کلینتون و نامزد حزب دموکرات در انتخابات ۲۰۱۶ ریاست‌جمهوری ایالات متحده، نیز هنوز هم با کنایه رقبای خود درباره این رسوایی اخلاقی دست‌وپنجه نرم می‌کند. ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان، در یکی از سخنرانی‌های مهیج خود در جمع هواداران، سابقه رسوایی جنسی همسر «هیلاری کلینتون» و نقش هیلاری در این داستان را دستمایه تسمخر و حمله به رقیب دموکرات خود کرد. ترامپ با اشاره به سوابق خانوادگی جدی‌ترین رقیب خود؛ یعنی هیلاری کلینتون، گفت: «من اما با خودم می‌گویم که هیچ‌کس در این کشور و حتی شاید در تاریخ کشور، در ارتباط با زنان از بیل کلینتون بدتر نبوده! او یک جافعه بود».

حاکمی ثروتمند در فقیرترین کشور



«ثوودورو اوبیانگ انگوئما مباسوگو»، رهبر ثروتمند گینه استوایی، یکی از فقیرترین کشورهای جهان است؛ ثروت او ۶۰۰میلیون دلار برآورد می‌شود درحالی‌که ثروت باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ۱۱ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار برآورد شده است. کشور آفریقای گینه استوایی با ۷/۵ سال زندان محکوم‌شد و دادگاه‌ها و شش سال نیز به اتهام فساد و ارتشا به زندان محکوم کرد. فوجیموری همچنین به نقض حقوق بشر نیز متهم شد و به جرم قتل و آدم‌ربایی، دادگاه، وی را به تحمل ۲۵ سال حبس محکوم کرد. گرچه دولت ژاپن از درخواست پرو مینی‌بر استرداد فوجیموری سرباز زد، اما وی به درخواست پرو، در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۷ به شیلی سفر کرد و در نهایت دیوان‌الری شیلی نیز حکم استرداد وی را به پرو صادر کرد.

انور ابراهیم؛ از سیاست تا اتهام لواط!



بحران مالی مالزی، با ماهاتیر محمد دچار اختلاف جدی شد و پس از آن نیز در سال ۱۹۹۹ میلادی به اتهام فساد مالی بازداشت و محاکمه شد. او در دادگاه به شش سال حبس محکوم شد. اما در سال ۲۰۰۰ میلادی با

زاویه

زنی در برابر اتهام

«کریستینا فرناندز کرشنر»، رئیس‌جمهور پیشین آرژانتین، شاید مشهورترین چهره‌ای باشد که پس از اتمام دوران ریاست‌جمهوری‌اش با اتهامات زیادی روبه‌رو شد. شهرت او که اولین رئیس‌جمهور زن آرژانتین بود که با رای مردم انتخاب شده، با پرونده‌های فسادآمیز چندی که به او مرتبط است حتی بیشتر هم شده است سال جاری میلادی بود که رسانه‌ها خبر دادند یک دادستان فدرال در آرژانتین خواستار مجوز قضائی برای تحقیق در مورد کرشنر شده است.

اتهام این دادستان به کرشنر، پول‌شویی و ماجرا هم از این‌قرار بود که «لئوناردو فارینا»، یک بازرگان آرژانتینی که تحت بازداشت قضائی قرار داشت، در جریان بازجویی‌های خود اعتراف کرد که کرشنر و همسرش، «نستور کرشنر»، رئیس‌جمهور اسبق آرژانتین، در یک پرونده رشوه‌خواری با او همدست بوده‌اند. اندکی پس از این اتفاق، یک بازرگان آرژانتینی دیگر بازداشت شد که از نزدیکان خانوادگی کرشنر بود و متهم بود که در پول‌شویی حداقل پنج‌میلیون دلار، نقش ایفا کرده است. کرشنر در ماه‌های آخر ریاست‌جمهوری‌اش هم متهم شده بود که در نقل‌وانتقال غیرقانونی ارز دست داشته است. در پی این اتهامات، قاضی دادگاهی در بوئنوس‌آیرس، پایتخت آرژانتین، دستور مسدودشدن اموال و دارایی‌های کرشنر را صادر کرد. کرشنر تمام این اتهامات را رد و اعلام کرد اتهاماتی که به او وارد می‌شود، با انگیزه‌های سیاسی مطرح شده‌اند چراکه «کلادیسو بونادیو»، قاضی فدرالی که مسئول رسیدگی به پرونده کرشنر شده، از مخالفان اوست. به‌همین‌دلیل کرشنر چندین‌بار اعلام کرده است که دستگاه قضائی آرژانتین بی‌طرف نیست و دلیل به‌جریان‌افتادن این پرونده، حزبی و جناحی است. باین‌حال در ماه‌های گذشته بسیاری از دستیاران نزدیک کرشنر با اتهام به سوءاستفاده از منابع دولتی به دادگاه احضار شدند.

باین‌حال به نظر می‌رسد اتهامات کرشنر بیشتر از یک بازی سیاسی باشد؛ چراکه می اسمال اموال و دارایی‌های فرناندز به ارزش یک‌میلیون دلار با حکم دادگاه آرژانتین توقیف شد. اتهام هم زیان‌رساندن به دارایی‌های ملی از راه دست‌کاری عملیات ارزی بانک مرکزی در ماه‌های آخر دوران زمامداری عنوان شده بود. بونادیو، پس از این اقدام در گفت‌وگویی اعلام کرد شواهد روشنی وجود دارد مبنی‌بر اینکه کرشنر در همدستی با «اکسل لکسیوف»، وزیر اقتصاد وقت، راهکاری را برای دست‌کاری عملیات ارزی داشته و آنها را عملی کرده‌اند. در این پرونده همچنین نام افرادی چون «الخاندرو وانولی»، رئیس سابق بانک مرکزی آرژانتین، برپا شده است. علاوه‌براین در ماه خاکی‌کشی شده بود، ریه و به دادگاه لاهه تسلیم شد. دادگاه لاهه وی را به اتهام جنایت جنگی محکوم کرد. او هرگز در طول پنج سال دادگاه خود، حاضر به پذیرش یا انتخاب وکیل نشد. به‌هرترب عم‌ر او قفاف نداد و میلوشوچ پیش از پایان جلسات دادگاهش، ناگهان و در اثر حمله قلبی، در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۰۶ میلادی در زندان دادگاه لاهه جان باخت.

«اسلوبودان میلوشوچ»، از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ میلادی رئیس‌جمهور صربستان و از سال ۲۰۰۰ میلادی رئیس‌جمهور جمهوری فدرال یوگسلاوی بود. وی در سال ۲۰۰۱ میلادی به جرم فساد و سوءاستفاده از قدرت دستگیر شد. در سال ۲۰۰۱ میلادی، میلوشوویچ از خانه‌اش که در آتجا حبس خانگی شده بود، ریه و به دادگاه لاهه تسلیم شد. دادگاه لاهه وی را به اتهام جنایت جنگی محکوم کرد. او هرگز در طول پنج سال دادگاه خود، حاضر به پذیرش یا انتخاب وکیل نشد. به‌هرترب عم‌ر او قفاف نداد و میلوشوچ پیش از پایان جلسات دادگاهش، ناگهان و در اثر حمله قلبی، در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۰۶ میلادی در زندان دادگاه لاهه جان باخت.



براساس این گزارش، این عملیات در استان سانتاکروز صورت گرفته است و درآن پلیس با حکم قاضی که پرونده‌ای در مورد فساد مالی و کلاهبرداری در دست بررسی دارد، به اماکن گروه اقتصادی یورش برده که خانواده خاتم کرشنر مالک بخشی از آن هستند. کرشنر از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ رئیس‌جمهور آرژانتین بود. او یکی از محبوب‌ترین رؤسای‌جمهور آرژانتین است چراکه در دوران مسئولیت وی، در زمینه توسعه رفاه اجتماعی، ملی‌کردن برخی از شرکت‌های خصوصی و دفاع از حقوق مدنی شهروندان اتفاقات مثبتی در آرژانتین اتفاق افتاد.

زاویه دید

به‌کجا می‌رویم؟! از عمل سیاسی تا تاریخ‌نگاری



مظفر شاهدی

آیا می‌توان امیدوار بود تا در آینده‌ای قابل پیش‌بینی، به‌این‌باور نزدیک‌تر شویم که احتمالا «همه» واقعیت و حقیقت (اگر چیزی به این عا‌نون وجود داشته باشد) پیش ما نیست! این سیاه یا سفید دیدن‌ها و کوتاه‌نایم‌دن‌های کمترثمربخش تا کسی ادامه خواهد یافت؟ آیا می‌توان امید داشت روزی جامعه‌ای ایرانی به‌این‌موضوع اندیشه‌کند که این تمامیت‌خواهی‌ها و خودعقل‌کل‌پنداری‌ها و تلاش بی‌وقفه برای «حذف» و از میان برداشتن تمام و کمال دیگری (در ششون گوناگون) تاکنون آسیب‌های جبران‌ناپذیر زان‌دالوصفی به‌ملک و ملت وارد کرده است! این غیریت‌سازی‌های دوقطبی دیو-فرشته‌گی تا کی می‌تواند و باید ادامه پیدا کند؟ آیا گمان نمی‌کنیم، آرام‌آرام باید حضور دیگری را در عرصه‌های مختلف به رسمیت بشناسیم و دامنه مبارزات و برخوردها را تا سرحد مرگ و زندگی ادامه دهیم و اندکی بیشتر به‌این‌موضوع بیندیشیم که رقیب یا مخالف ما لزوما دشمن ما نیست و برچسب‌زنی‌های جورواجور بر دیگری بیش از آنکه، ریشه در واقعیت داشته باشد، بر ساخته‌های ذهنی غیرمال‌اندیش ما هستند.

شاید همین واقعه ۲۸ مرداد نمونه خوبی برای سنجش دامنه قضاوت‌ها و حرف‌وحديث‌هایی باشد که تاکنون پیرامون آن صورت می‌گرفته است. گمان نمی‌کنم، با اندکی تعمق و مطالعه بیشتر و منطقی‌تر، درناییم که بازیکران آن واقعه، رابطه‌ای دیو- فرشته‌گی؛ خائن- خادمی؛ خوب-بَد بد بد؛ کمال مطلوب- ناقص‌العمل ازلی و ابدی و الی‌مشاءالله... با رخدادها و حوادث آن روزگار نداشتند؛ تجربه، آموخته و یافته‌های تاریخی نشان می‌دهد، باید از این‌همه سیاه‌وسفید دیدن‌ها و خائن و خادم شناساندن‌های تقلیل‌ناپذیر بی‌حاصل، دست برداریم. دوره این‌گونه نگرش‌های پوزیتیویستی و عینیت‌گرا حتی در علوم تجربی و طبیعی هم سالیانی طولانی است که سیری شده است. شاید لازم باشد کم‌کم به‌این نتیجه برسیم خارج از آنچه در ذهن ما می‌گذرد، واقعیتی وجود ندارد.

به‌عبارت دیگر، آنچه واقعیت می‌پنداریم، بر ساخته‌های ایدئولوژیکی‌ای بوده‌اند که در قالب گفتمان‌های رقیب متعدد (گاه بیشتر یا کمتر هژمونیک) خود را بر ما و دیگری تحمیل می‌کنند و نمی‌توانند معنا و عمری دیرپا هم داشته باشند؛ وگرنه چگونه می‌شود واقعه‌ای مانند ۲۸ مرداد، هم‌زمان هم قیام و رستاخیز ملی باشد و هم کودتا؛ دکتر مصدق، هم مدافع قانون اساسی باشد و هم بزرگ‌ترین ناقض قانون اساسی تلقی شود! الی آخر... به‌همین دلیل هم هست که مدافعان هریک از این افراد یا جریان‌های سیاسی، در روایت‌های خود از واقعه، تقریبا تمام‌وکمال تصویری فرشته- دیو/ خائن- خادم ارائه داده‌اند.



باید از این سیاه و سفید دیدن‌ها، عاشق‌واله بودن یا نفرت تمام‌وکمال پراکندن‌های بنیان‌کن دست برداریم و بیاموزیم که در اکثر موارد، بخش‌های خاستگری سوزه‌های مطالعه‌شده بسی فزون‌تر و تعیین‌کننده‌تر از نقاط تاریک نقش‌آفرین بوده‌اند. آنچه در این‌میان تأسف‌بارتری می‌نماید، تبعیت و فروغلتیدن تقریبا بی‌چون‌وچرای محققان و مورخان ما در فرایند همین‌گونه تاریخ‌سازی‌های دوقطبی و غیریت‌ساز آزاددهنده به‌میراث‌مانده از گذشته‌های دور و نزدیک است؛ تاجایی‌که تاریخ‌نگاری ما هم تا حد زیادی به‌نوعی نقش وکیل‌مدافع و پیاده‌نظام جریان‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون را برعهده گرفته و همان داستان خائن- خادم‌سازی‌ها و دیو- فرشته‌گرایی‌ها، به‌نوشته‌های اکثر مورخان و محققان ما هم راه یافته است. ما باید یاد بگیریم که در رفتار سیاسی و اجتماعی و هم در فرایند دانش‌آموزی و تحقیقاتی، می‌شود و باید با یکدیگر گفت‌وگو کنیم و وجود دیگری را به «رسمیت» بشناسیم؛ سیاست مخرب «حذف» دیگری که تاکنون بی‌وقفه ادامه یافته است، موقعیت ما را نه‌ارتقا بلکه به‌گونه‌ای روزافزون، تضعیف خواهد کرد. تندروی و افراط‌گرایی (فرمان‌بردگی و سیاه-سفید دیدن‌ها) در تاریخ مختلف آسیب‌های جبران‌ناپذیر فراوانی (در سطوح و ششون مختلف) به جامعه ما وارد کرده است. تقریبا همیشه، انقلابی‌گری و حذف دیگری، بر عقلانیت «رسمیت‌بخشی» بر حضور رقیب (که احتمالا به‌اندازه خود ما دغدغه کشور و منافع ملی را دارد) بر رفتار و کردار ما غلبه‌ای بی‌کم‌وکاست داشته است. همواره معول‌ر دا دیده و کمتر به علل یک واقعه اندیشیده‌ایم؛ به‌باران مجلس اول را دیده‌ایم؛ اما تدروی‌های مشروطه‌خواهان در برابر محمدعلی‌شاه را دیده‌ایم و مورخان ما در فرایند بنده‌های روایت مخالفان را در این واقعه بشنویم؛ همچنین است کودتا/ قیام خواند‌ن‌های رخداد‌های سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲... هرگاه، عقلانیت بیشتری پیشه می‌کردیم و این سیاست دیرپا و درعین‌حال خنمان‌برانداز «حذف» و سیاه‌وسفید دیدن را سرلوحه کار خود قرار نمی‌دادیم و اندکی هم اندیشه می‌کردیم که شاید رقبا ما دلایل محکم‌تری داشته‌اند و باید می‌توانستیم در فضایی عقلانی‌تر به دیدگاه‌های آنان هم توجه بیشتری می‌کردیم؛ البته که در این‌باره سخن بسیار است: پس «مدار» و «احتیاط» بیشتری پیشه کنیم و بیاموزیم لزوما حامل همه «حقیقت و واقعیت» نیستیم. حتی‌المقدور همه چیز را «نسبی» ببینیم؛ به‌این‌هم بیندیشیم شاید خود ما تا همین الان، در «اشتباه» بوده‌ایم و ضرورت دارد به‌سرعت در اصلاح خود بگوئیم؛ ایام به‌کام.